

قیمت‌ها دوچندان شده: «زنان زیادی را دیده‌ام که به‌دلیل افت قند خون و کمبود تغذیه مناسب، مکرراً دچار بی‌هوشتی می‌شوند. زنان باردار خانواده‌ام از افت فشار و خستگی مداوم رنج می‌برند، چون اگر غذایی هم پیدا شود، با قیمتی بسیار بالا است.»

«انور» مثل بسیاری از خبرنگاران و مردم غزه، هر روز را به امید فردای می‌گذراند و می‌گوید، نه غذای کافی وجود دارد، نه آب سرد و نه برق: «حتی از رفتن به دریا هم محروم شده‌ایم. وضعیت خفه‌کننده و غم‌انگیز است تا حدی که قابل توصیف نیست.»

او درباره غیبت کامل سازمان‌های بشردوستانه می‌گوید: «هیچ کمک واقعی‌ای وجود ندارد. فقط کمک‌هایی تحقیرآمیز از طرف نهادهای آمریکایی که تنها از طریق صف‌های تحقیرآمیز و خطرناک قابل دریافت است. برای همین، من سراغ‌شان نمی‌روم، چون مرگ نزدیک‌تر از یک کارتن غذاست.»

انور با وجود اینکه از سال ۲۰۲۱ خبرنگار میدانی است، می‌گوید آنچه اکنون تجربه می‌کند فراتر از وصف است: «سخت‌ترین لحظه، زمانی است که مجبور می‌شوی گزارش خود را رها کنی تا دنبال لقمه‌ای غذا برای خودت یا کمکی برای یکی از اعضای خانواده‌ات بروی.»
باین‌حال او همچنان بر ادامه مستندسازی فاجعه پافشاری می‌کند، چون به گفته خودش، صدا نباید زیر آوار چادرها یا سکوت جهان دفن شود: «این گزارش نه از سوی ناظر بی‌رونی، بلکه از جانب یک جوان غزه‌ای است که خود در بطن رویدادها قرار دارد؛ میان گرسنگی می‌خواید، با صدای کودکان بیدار می‌شود و آنچه را روایت می‌کند که دوربین‌های جهانی از دیدنش سرباز می‌زنند.»

▼ روزنامه‌نگاران، قربانیان بی‌دفاع

حالا خود «اسامه الحکوت» و خانواده‌اش، روزنامه‌نگار ۴۱ ساله ساکن دیرالبلح که از سال ۲۰۱۰ روایتگر روزهای تلخ نوار غزه بوده، بخشی از این روایت شده‌اند. او در دل جنگی به «هم‌میهن» می‌گوید که در آن نوزادان در خیابان به دنیا می‌آیند و جوانان از گرسنگی می‌میرند.

«الحکوت» از وضعیتی می‌گوید که در آن فرسودگی عمومی به مر حله‌ای رسیده که مردم از ضعف و خستگی در خیابان‌ها نقش زمین می‌شوند. کاهش وزن شدید در میان جمعیت، چیزی‌ای آشنا شده است؛ و گرسنگی روزبه‌روز چهره مرگ را ملموس‌تر می‌کند: «در آغاز، کودکان بیمار از گرسنگی جان می‌باختند. اما حالا مرگ ناشی از سوءتغذیه، جوانان، زنان و سالمندان را هم دربرگرفته است.» او می‌گوید در خانه‌های بی‌شماری، غذایی برای خوردن وجود ندارد و نبود امکان خرید، نبود مواد اولیه و نبود امید، دست‌به‌دست هم داده‌اند تا چهره شهر، چهره فاجعه‌شود.

به گفته او، روزنامه‌نگاران گرسنه‌اند و او هم‌کارانش حتی برای ادامه فعالیت رسانه‌ای و پوشش فاجعه هم توان کافی ندارند: «بدون غذا، بدون آب و بدون تجهیزات مانده‌ایم. روایت کردن از درون این وضعیت، خودت تبدیل به تقابل برای زنده ماندن شده است.»

خدمات پزشکی، آن طور که الحکوت گزارش می‌کند، به‌شدت محدود و ابتدایی است: «بیشتر آنچه باقی مانده، کمک‌های اولیه است. مردم برای انجام ساده‌ترین کارهای روزمره، نیاز به محلول‌های وریدی دارند تا از ضعف مطلق نجات پیدا کنند.»

او می‌گوید که اسرائیل تقریباً به‌طور کامل از ورود سوخت جلوگیری می‌کند؛ بیمارستان هفته‌ای دو بار درخواست سوخت، دارو و تجهیزات درمانی می‌دهند، اما کمتر پاسخی می‌گیرند: «زنان مانند مردان، از کمبود همه‌چیز رنج می‌برند: به‌ویژه وسایل بهداشت شخصی. وضعیت به‌قدری وخیم است که بعضی از زنان در خودروهای شخصی، در خیابان، زایمان کرده‌اند.»

وضعیت روانی مردم آنقدر بد است که «الحکوت» آن را شرایط یأس و ناامیدی گسترده می‌نامد. او از مرگ‌هایی می‌گوید که هر روز به‌چشم می‌بیند: «چندروز پیش جوانی را در بیمارستان دیدم که تنها یکی، دو سال از من کوچک‌تر بود. بدون هیچ علامتی، فقط به‌دلیل گرسنگی مرد. به‌همین سادگی.»

او از راه‌هایی می‌گوید که مردم برای زنده ماندن به آن‌ها متوسل شده‌اند؛ درمی‌کند یا به مراکز کمک‌رسانی یورش می‌برد یا قوطی‌های کنسرو قدیمی را می‌چورند، یا برگ درختان را می‌چوند: «مردم، واقعاً این کار را می‌کنند.»

▼ مادیگر فطر روایتگر نیستیم

«احمد المقادمة»، روزنامه‌نگار آزاد ۳۰ساله که با رسانه‌هایی چون الجزیره و رویترز همکاری داشته، از تجربه زندگی در غزه، سقوط معیشتی، گرسنگی، بحران بهداشت و حس ناتوانی در برابر فرزند شیرخواره‌اش به «هم‌میهن» می‌گوید. او که در غزه به دنیا آمده، بزرگ شده و هرگز آن را ترک نکرده است، می‌گوید که تمام مراحل محاصره و تجاوز از زندگی کرده است اما آنچه امروز تجربه می‌کند، هیچ شباهتی به گذشته ندارد.

او روزنامه‌نگاری است که حدود یک‌دهه اخبار و وقایع غزه را برای رسانه‌های جهانی پوشش داده و حالا پدری است با یک کودک شیرخواره و دست‌هایی خالی برای سیر کردن‌اش. خودش هم بیش از ۲۰ کیلوگرم از وزن‌اش را از دست داده است. اوضاع بهداشتی، همان‌طور که «احمد» توصیف می‌کند، از نخستین روز جنگ فروپاشیده است. بیمارستان‌ها بدون دارو، تجهیزات و کادر درمانی مانده‌اند، زنان باردار با سوءتغذیه شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند و مرگ و سقط جنین به‌شکلی وحشتناک در حال افزایش است: «بله، واقعاً افرادی از گرسنگی مرده‌اند. این یک واقعیت است، نه بزرگ‌منمایی.» احمد می‌گوید که خانواده‌اش با کمترین‌ها زنده‌اند؛ غذایی که در دسترس است حتی برای سیر کردن شکم یک کودک هم کافی نیست: «هیچ‌نهاد یا سازمانی فعال نیست. کمک‌رسانی‌ها متوقف شده‌اند. اسرائیل مردم را حتی از دریافت حداقلی‌ترین کمک‌ها هم محروم کرده است.» احمد که گاهی موفق به دریافت دستمزد درازای خبرنگاری می‌شود، می‌گوید اگر پولی دریافت کند،

فقط از طریق دلال‌های ارز است؛ با کمسیون‌هایی تا ۴۰ درصد: «یعنی از ۱۰۰۰ دلار، شاید فقط ۵۰۰ دلار به دستم برسد. ما در نبود پول نقد، عملاً قربانی یک بهره‌کشی بی‌رحمانه شده‌ایم.»

به گفته او، غزه امروز یک شهر بی‌جان است، در سکوت فرومی‌ریزد، مردم برای زنده ماندن می‌جنگند و تنها چیزی که می‌خواهند این است که فقط زندگی کنند.

▼ جنگ نان

«مؤمن فوزی حرب ابوعوده»، روزنامه‌نگار و فیلم‌بردار اهل شمال غزه، ۲۸ سال دارد و بیش از ۸ سال است که در زمینه رسانه فعالیت می‌کند. او که در بیت‌حانون به دنیا آمده و تمام عمر خود را در همان جازندگی کرده، این روزها در دل فاجعه‌ای انسانی، هرروز با دوربین‌اش گرسنگی، ویرانی و مرگ را ثبت می‌کند. مؤمن از وضعیت بحرانی مردم، نابودی کامل ساختارهای زندگی و جنگی به «هم‌میهن» می‌گوید که فراتر از بمباران، به «جنگ نان» بدل شده است: «اوضاع واقعاً وخیم است. هرروز بدتر می‌شود؛ نه‌فقط از نظر بمباران، بلکه به‌خاطر گرسنگی بی‌سابقه‌ای که همه‌چیز را در برگرفته. یکی از بزرگ‌ترین بحران‌هایی که ما امروز با آن روبه‌رویم، جنگ برای زنده ماندن است؛ برای پیدا کردن حتی یک لقمه نان.» مؤمن فوزی، خبرنگار جوانی که سال‌ها در کوچه‌های شمال غزه تصویربرداری کرده، حالا خودش یکی از سوژه‌های اصلی دوربین رسانه‌هاست؛ یکی از بازماندگان محاصره‌ای که به گفته او، زندگی را در غزه تبدیل به مرگ تدریجی کرده است: «امن یا چشم خودم دیدم که مردم از شدت گرسنگی دچار سرگیجه شدند و روی زمین افتادند. دلیل‌اش ساده بود؛ برای چندروز هیچ غذایی نخورده بودند. سوءتغذیه، دیگر واژه‌ای علمی یا آماری نیست؛ واقعیتی است ملموس که در چهره مردم نقش بسته.» مؤمن می‌گوید که مرگ بر اثر گرسنگی، دیگر یک احتمال نیست، بلکه اتفاقی است که در برابر دیدگانش رخ داده است: «موارد زیادی از سوءتغذیه وجود دارد. همه شما هم تصاویرش را در رسانه‌ها دیده‌اید، اما چیزی که از قاب دوربین بیرون می‌ماند، درد واقعی این گرسنگی است. وقتی هیچ‌چیزی برای خوردن پیدا نمی‌کنی، هر ثانیه به‌سوی مرگ نزدیک‌تر می‌شوی.» در کنار بحران غذایی، فروپاشی نظام بهداشت و درمان نیز زندگی را به کام ساکنان غزه تلخ‌تر کرده است. مؤمن توضیح می‌دهد که عملاً هیچ خدمات درمانی‌ای وجود ندارد و محاصره، اجازه ورود تجهیزات پزشکی را نمی‌دهد: «وضعیت بیمارستان‌ها اسفبار است. نه دارو، نه دستگاه و نه حتی پانسمان کافی وجود ندارد. تمام زبوساخت‌های در مان‌ای از بین رفته‌اند و بیماران، تنها رها شده‌اند.»

«وضعیت زنان را چطور می‌بینی؟

بحران بهداشتی و معیشتی، به‌ویژه برای زنان و مادران، شکل عمیق‌تری از رنج را به همراه آورده است. مادران شیرده نمی‌توانند به‌درستی فرزندان‌شان را تغذیه کنند، چون غذایی نیست. حتی وسایل اولیه بهداشتی یا تمیزکننده هم وجود ندارد. خانه‌هایی که روزی پناهگاه و محل آرامش بود، حالا پر از گرد و خاک و ناامیدی است. همه‌چیز ازهم‌فروپاشیده.

▼ قحطی این جاست و قربانی می‌گیرد

«محمد معین نشبت»، خبرنگار مستقل میدانی از دل نوار غزه که هفته‌هاست مشغول تهیه گزارش از بحران انسانی در این منطقه است، بارها با صحنه‌هایی روبه‌رو شده که ثبت آن‌ها با دوربین برایش دشوار بوده است. او به «هم‌میهن» می‌گوید، سخت‌ترین لحظه برایش دیدن افرادی بوده که برای یک کیسه آرد با هم درگیر شده‌اند، عده‌ای دیگر توسط سربازان اسرائیلی به ضرب گلوله کشته شدند یا پدری که از زیر دست‌وپا ماندن دخترش حین صف کمک تعریف کرده است: «این‌ها تصاویر فراموش‌نشدنی‌اند.»

او می‌گوید شرایط، دیگر از آستانه فاجعه گذشته است؛ به گفته او نهاد‌های بین‌المللی هنوز از عبارات دیپلماتیکی مثل «اوضاع وخیم است» استفاده می‌کنند، اما واقعیت میدانی چیز دیگری است: «قحطی این جاست و قربانی می‌گیرد.» نشبت می‌گوید که در خانواده خودش هم موارد سوءتغذیه دیده، اما ابعاد بحران فراتر از تجربه شخصی اوست: «روزانه بیش از ۵۰۰ نفر به اورژانس بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند، تنها به‌دلیل سوءتغذیه. اما در مان مؤثری در دسترس نیست.»

همین چندروز پیش بود که «منیر البُرش»، مدیرکل وزارت

یکشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۸۴۳
www.hammihanonline.ir

بهداشت غزه اعلام کرد که ۳۷ درصد داروهای اساسی کاملاً تمام شده‌اند، از ۲۲۹ قلم داروی حیاتی، اثری باقی نمانده و از میان ۵۹۷ نوع ملزومات پزشکی، ۵۹ درصد دیگر در انبارها یافت نمی‌شود.

طبق اطلاعاتی که «محمد» هم به‌دست آورده، فهرست کمبودها طولانی و نگران‌کننده است: ۹۹ درصد کمبود در تجهیزات کاتتریزاسیون و جراحی قلب، ۸۷ درصد کمبود در ابزارهای جراحی ارتوپدی، ۷۳ درصد کمبود در چشم‌پزشکی، ۴۵ درصد کمبود در ملزومات دیالیز و تنها ۸ درصد از ملزومات مصرفی باقی مانده است و آن‌هم در حال اتمام است.»

به گفته او، خدمات حیاتی مانند درمان سرطان، دیالیز، مراقبت‌های مادر و کودک و عمل‌های اورژانسی در آستانه توقف کامل قرار گرفته‌اند. نشبت می‌گوید که وضعیت زنان در دوران بارداری و زایمان به‌شدت بحرانی شده است: «براساس گزارش WHO، ۹۰ درصد زنان باردار و شیرده در غزه از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند.»

«محمد» می‌گوید حدود ۵۵ هزار زن باردار در غزه حضور و یک‌سوم آن‌ها باردار ی‌ری خطر دارند: «روزانه ۱۳۰ نوزاد متولد می‌شود که ۲۷ درصد از آن‌ها با عمل سزارین است. در نبود مراقبت‌های ویژه، بسیاری از نوزادان نارس و کم‌وزن، در همان بدو تولد با خطر مرگ روبه‌رو هستند. کمبود سرم، آنتی‌بیوتیک، کیت‌های زایمان، نخ‌بخیه و حتی خون، سلامت مادران را به‌شدت تهدید می‌کند.»

او می‌گوید، گرچه شخصاً شاهد لحظه مرگ کسی نبوده، اما بسیاری از خبرنگاران در بیمارستان‌ها روایت‌هایی ثبت کرده‌اند که نشان می‌دهد سوءتغذیه و گرسنگی عامل مرگ بوده است: «در نبود کامل آرد، مردم شروع کرده‌اند به اسباب کردن عدس، لوبیا، برنج و ماکارونی تا با آن نان درست کنند، عدس حالا غذای اصلی مردم است، شاید تنها وعده در طول روز.» قیمت سبزیجات به‌شدت بالا رفته و مردم اغلب وابسته به آشپزخانه‌های خیریه‌اند؛ جایی که اگر خوش شانس باشند، یک بشقاب برنج یا پادماجن گیرشان می‌آید.

در سه ماه نخست جنگ به گفته «محمد معین نشبت»، ارتش اسرائیل اجازه ورود هیچ کمکی را نداد و کمک‌هایی که از طریق سازمان‌های بین‌المللی هم فرستاده می‌شوند، اغلب پیش از توزیع، به‌دست مردم غارت می‌شوند یا کاروان‌ها، هدف حمله قرار می‌گیرند: «نیروهای اسرائیلی بارها ماوران پلیس را که کاروان‌های کمک را اسکورت می‌کردند، هدف قرار داده‌اند. این اقدامات، وضعیت کمک‌رسانی را بی‌ثبات و پر خطر کرده است.»

▼ دیگر خبری از گوشت نیست

«محمد قنديل ابو عمر»، عکاس خبری ۳۶ساله و عضو شبکه مستقل فلسطینی «مصدر الاخباریه»- شبکه‌ای مستقل بومی در نوار غزه - که از دل غزه مستندنگاری می‌کند، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از وضعیتی روایت می‌کند که در آن نمتنها مردم و خبرنگاران بلکه حتی پزشکان هم گرسنه‌اند. او که متولد خان‌یونس و ساکن سابق رفح است، سال‌های اخیر را در شهر غزه صرف روایت تصویری بحران‌های بی‌دری کرده و حالا در میانه یکی از سخت‌ترین بحران‌های انسانی عصر حاضر، او به‌جای ثبت تصویر، زبان تصویرها شده است. او می‌گوید چهار ماه است که آرد وارد غزه نشده و مادر و پدرش هم چیزی برای پختن نان ندارند، از هر نوع پروتئین، به‌ویژه گوشت، دیگر خبری نیست و قیمت‌ها سر به فلک کشیده‌اند: «قیمت یک بشقاب سالاد حالا به ۱۰۰ دلار رسیده، آن هم در منطقه‌ای که شغل یا منبع درآمدی وجود ندارد.»

به گفته «محمد قنديل»، «مردم حتی نمی‌توانند به‌درستی راه بروند، تعادل ندارند، بدن‌ها تحلیل رفته‌اند و در چنین شرایطی، حتی کادر درمان هم از بحران در امان نمانده است: «پزشکان در بیمارستان‌ها غذا ندارند، آن‌ها هم مثل بقیه گرسنه‌اند. تجهیزات درمانی هم کم است؛ چون بسیاری از بیمارستان‌ها بمباران شده‌اند.» قنديل می‌گوید که بسیاری از شهروندان به‌دلیل کمبود غذا جان خود را از دست داده‌اند، اما درناک‌تر از گرسنگی، تلاش نافر جام‌برای یافتن کمک‌های غذایی است. بخشی از ساکنان غزه به نقطه‌ای معروف به «مساعدات آمریکیه» (کمک‌های آمریکایی) مراجعه می‌کنند، اما روایت قنديل از این نقاط، به‌جای صف غذا، بیشتر به صحنه‌ای از نبرد شبیه است: «هر روز بین ۵۰ تا ۷۰ نفر هنگام انتظار برای دریافت غذا، هدف گلوله قرار می‌گیرند و جان می‌دهند.»

خبرسازان



وضعیت بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده در جنگ

رئیس سازمان مدیریت بحران تهران اعلام کرد که بازسازی ۸۶۰۰ واحد مسکونی آسیب‌دیده در جریان جنگ ۱۲ روزه تا دو سال آینده به پایان می‌رسد، به گزارش ایسنا، علی نصیری درباره ابعاد خسارات وارده‌شده به این ساختمان‌ها توضیح داد و گفت: «درمجموع حدود ۸۶۰۰ واحد ساختمانی آسیب دیده‌اند که از این میان، خسارات وارده به ۵۶۰۰ واحد جزئی بوده و عمدتاً شامل آسیب به شیشه، پنجره، درب و رنگ‌آمیزی داخلی ساختمان‌ها بوده که تاکنون بالای ۹۷ درصد از این موارد ترمیم شده است. در مورد واحدهایی با آسیب متوسط، که سازه‌ها سالم اما بخش‌هایی از داخل منزل دچار آسیب شده‌اند، ۲۲۵۰ واحد شناسایی شده که نیازمند پایدارسازی (تعمیرات متوسط) هستند که براساس برآورد خسارت به دو گروه زیر ۳۰۰ میلیون تومان و بالاتر از آن تقسیم می‌شوند.» او همچنین توضیح داد که برای موارد زیر ۳۰۰ میلیون تومان، مبلغ خسارت در دو قسط به مردم پرداخت می‌شود که تاکنون حدود ۴۰ درصد پیشرفت داشته است. در موارد بالاتر از ۳۰۰ میلیون تومان، بازسازی از طریق پیمانکاران به‌صورت غیرتقدی انجام می‌شود که در این حوزه نیز حدود ۴۰ درصد پیمانکاران مشخص شده است. حدود ۷۵۰ واحد نیز نیازمند مقاوم‌سازی یا نوسازی هستند که بسیاری از اینها به سمت نوسازی سوق داده شده‌اند.

آخرین وضعیت سد کرج

مدیر سد کرج اعلام کرد که امسال ارتفاع آب حدود ۴۶متر از تراز نرمال پایین‌تر رفته است. به گزارش خبرنگارانین، محمدعلی معلم در جریان بازدید خبرنگاران از سد امیرکبیر (کرج) گفت: «حجم آب سد کرج به‌دلیل کاهش بارش‌ها به‌شدت کاهش یافته است. این سد در سال ۱۳۴۶ توسط شرکت آمریکایی موریسون نورسن به‌عنوان پیمانکار ساخته شد و در زمان احداث ۲۵۰ میلیون مترمکعب حجم داشت که بعد از ۶۴ سال بهره‌برداری و رسوب‌گذاری اکنون حدود ۱۸۰ میلیون متر مکعب حجم واقعی دارد. امسال ارتفاع آب حدود ۴۶متر از تراز نرمال پایین‌تر رفته است. ما هیچ‌وقت در این ایام از سال این کاهش ارتفاع را نداشتیم.»



۳ پروژه آبرسانی به تهران

استاندار تهران اعلام کرد که سه پروژه آبرسانی به این استان در دستور کار قرار گرفته است. به گزارش ایسنا، میر جعفریان در خصوص آخرین وضعیت پروژه‌های آبرسانی به تهران گفت: «سه پروژه در تهران در دستور کار است و انتقال آب از سد طالقان، نشتی سد لار و رینگ قمری‌نی هاشم پروژه‌های در دست اجرا هستند و پیشرفت خوبی داشتند؛ اما به آن افق بهره‌برداری نرسیده‌ایم و باید تلاش بیشتری از دستگاه‌های مربوطه صورت بگیرد تا ان شاءالله به بهره‌برداری برسند.
باین‌حال تکمیل این پروژه‌ها نیز برای بلندمدت نخواهد بود؛ برای بلندمدت نیاز به برنامه جامعی داریم؛ اما بهره‌برداری از این پروژه‌ها برای کوتاه‌مدت و میان‌مدت نتایج خوبی را در پی خواهد داشت.» او درباره تأمین برق استان هم توضیح داد و گفت: «قسمتی از تولید برق ما از سدها و قسمتی دیگر از نیروگاه‌های حرارتی است. امسال بیش از ۴۵ درصد نسبت به سال گذشته کاهش بارندگی داشتیم و این مسئله موجب شد ذخیره سدهای مان به حداقل ممکن برسد.»